

چهاره هفته نامه

قسمت اول : زهد و آزاد اندیشی



مجلس شورای اسلامی

چوماره

- فهرست -

۱

زهد علاج بیماری اساسی جامعه اسلامی

دو صفحه | بیانات

۳

زهد و شجاعت؛ راز مکتب حاج قاسم

دو صفحه | روایت

۵

زهد از زبان امیر مومنان امام علی علیه السلام

چهار صفحه | شرح

۹

زهد و وابستگی طبقاتی نیست!

شش صفحه | شرح

به یاد شهدای جبهه مقاومت
خصوصاً شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید حسن نصرالله

زهد: علاج بیماری اساسی جامعه اسلامی

بیانات رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم و کارگزاران نظام - ۱۳۷۵/۰۹/۰۵

برجسته‌ترین نقطه‌ای که در نهج‌البلاغه است، زهد است. امیرالمؤمنین آن روز که این زهد را فرمود، به عنوان علاج بیماری اساسی جامعه‌ی اسلامی فرمود و من مکرر گفته‌ام امروز هم ما باید همان آیات زهد را بخوانیم. آن روز هم که امیرالمؤمنین می‌فرمود به شیرینیها و لذت‌های دنیا جذب نشوید، کسانی بودند که این شیرینیها و لذت‌ها، به دستشان نمی‌رسید - شاید اکثریت مردم آن طور بودند - امیرالمؤمنین به آن کسانی می‌گفت که فتوحات دنیای اسلام، سال‌های گسترش امپراتوری و قدرت بین‌المللی اسلام، آنها را متمکن، ثروتمند و برخوردار از امتیازات کرده بود؛ حضرت به آنها هشدار می‌داد. ما امروز همین که دو کلمه راجع به زهد بگوییم - بگوییم یک خرده ملاحظه کنید - بعضیها می‌گویند که آقا، اکثر مردم

این چیزهایی که شما می‌گویید، ندارند. جواب این است که ما به آنها نمی‌گوییم؛ ما به کسانی می‌گوییم که تمکن دارند؛ کسانی که لذت‌های دنیا برای آنها آغوش باز کرده است؛ کسانی که می‌توانند از راه‌های حرام، خودشان را به زیباییها و شیرینیهای زندگی برسانند. البته در درجه‌ی بعد به کسانی هم که از راه حلال می‌توانند به آن لذتها دست پیدا کنند، می‌گوییم

البته بالاترین و واجبترین زهدها این است که انسان از حرام پرهیز کند؛ پارسایی کند دامن را پاک نگه دارد و زهد بورزد. اما زهد از لذات حلال هم، مرتبه‌ی بالایی است. البته افراد کمتری ممکن است مخاطب این خطاب باشند. امروز هم همان روز است - با تفاوت‌هایی در وضعیت زمان و خصوصیات تاریخی هر دوره، که مخصوص خود آن است - کسانی که دستشان می‌رسد، کسانی که می‌توانند از زیباییها، تجملات، لذات، تنعمات و از گسترش روزافزون زندگی بهره‌مند شوند، باید آن خطابه‌های زهد امیرالمؤمنین را به یاد داشته باشند. البته این خطاب در مورد کسانی که مسؤولیتی دارند، شدیدتر و سنگینتر است. در مورد کسانی هم که مسؤولیتهای دولتی ندارند، همان خطاب هست، منتهی کمتر است؛ آنها بیشتر مخاطبند

زهد و شجاعت؛ راز مکتب حاج قاسم

رامز الحلبی از رهبران جهاد اسلامی فلسطین - ایرنا

شهید سردار سلیمانی شخصیتی چند بُعدی و با ویژگی‌های خاصی داشت؛ نخستین مساله در بُعد دینی است. با بررسی سخنان ایشان در مناسبت‌های مذهبی، به این نتیجه می‌رسیم که او از اصول و فروع دین آگاهی دارد و به درجه‌ای از مقام‌های عرفانی رسیده است؛ عرفانی همانند عرفان اولیاءالله که به لطف خداوند به آن مقام رسیده‌اند. در خصوص رفتار دینی او نیز باید گفت، نمایش صحنه‌هایی از مناجات‌ها، دعا، نماز و گریه‌وزاری او در مرقد ائمه و اهل بیت علیهم‌السلام، این مساله را تأیید می‌کند. با دیدن آن تصاویر متوجه می‌شویم که گویی او هیچ علقه‌ای به زمین و مردمان در دنیای مادی ندارد و در ملکوت و مکانی غیر از جایی که ما در آن زندگی می‌کنیم سیر می‌کند. با در نظر گرفتن

مفاهیم اسلام ناب محمدی در زندگی ایشان، متوجه زهد و دوری از لذات دنیا در او می‌شویم؛ او حقیقتاً در کره زمین غریب و جایگاهش در آسمان بود. این را در نوع خوراک و لباس پوشیدن و در منش او مشاهده می‌کنیم؛ رزمندگانی که به دست او آموزش دیده‌اند در این زمینه موارد زیادی برای ما نقل کرده‌اند؛ آن‌ها تاکید می‌کردند که او غذا نمی‌خورد تا زمانی که رزمندگان غذای خود را تمام می‌کردند.

وی افزود: مساله شجاعت و دلاوری او که مثال‌زدنی است. این شجاعت و دلاوری را همه کسانی که در کنار او جنگیده‌اند درک و لمس کرده‌اند. یکی از نمونه‌های این شجاعت، اقدام او در زمانی بود که گروهی از رزمندگان در سوریه در یکی از مراکز داعش گرفتار شده بودند. این مرد شجاع یک «گالن بنزین» برداشت و همراه با یک موتورسوار خود را به رزمندگان رساند و راه بازگشت را برای آن‌ها امن کرد. نکته قابل توجه اینکه این اقدام زمانی رخ داد که تبلیغ زیادی روی سربریدن و آتش‌زدن اسرا توسط داعش صورت می‌گرفت. در آن شرایط، ده‌ها رزمنده داوطلب شدند که این کار را انجام دهند اما مخالفت کرد و شخصاً این کار را انجام داد. ایشان چند دهه در میادین نبرد بود و صدها اقدام شجاعانه انجام داد

زهد از زبان

امیر مومنان امام علی علیه السلام

بخشی از شرح علامه جعفری بر خطبه ۸۱ نهج البلاغه

«أَيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قِصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ، فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ، وَلَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ، فَقَدْ أَعَذَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ، وَكُتِبَ بَارِزَةً الْعُذْرِ وَاضِحَةً.»

ای مردم، زهد در این جهان کاستن از دامنه آرزوهاست و سپاسگزاری در برابر نعمتها و پارسایی از حرامهاست. پس اگر بدان دست نیافتید، بکوشید تا حرام بر شکیبایی شما چیره نشود و در برابر نعمت، سپاسگزاری را از یاد مبرید. خداوند با آوردن حجت‌های آشکار و هویدا و کتابهای آسمانی و دلیلهای روشن جای عذری برای شما باقی نگذاشته است

علماء اخلاق و عرفا تعریف زهد را بدین ترتیب بیان نموده‌اند: زهد عبارتست از ضد محبت دنیا و رغبت به آن. توضیح ضد محبت دنیا چنین است که انسان دنیا را از قلب نخواهد و با اعضایش آن را رها کند، مگر به قدر ضرورت بدنش و به عبارت دیگر زهد عبارتست از رویگردان شدن از متاع دنیا و پدیده‌های پاکیزه آن، مانند اموال و مقامها و دیگر امتیازاتی که با فرا رسیدن مرگ از بین می‌روند و با بیان دیگر زهد عبارتست از اعراض از دنیا برای گرایش به آخرت، یا اعراض از غیر خدا برای گرایش به خدا و اینست عالی‌ترین درجه زهد. بنابراین، هر کس که از جز خدا حتی از بهشت اعراض نماید و به هیچ حقیقتی جز خدا محبت نورزد، او زاهد مطلق است و هر کس که از عوامل لذت دنیوی برای ترس از آتش و یا برای طمع در نعمتهای بهشتی از حور و قصرها و میوه‌ها و چشمه‌سارها، اعراض نماید، او هم زاهد است، ولی درجه این زاهد از درجه اولی پائین‌تر است. و کسی که فقط بعضی از عوامل لذت دنیوی را مانند مال نه مقام ترک کند، یا پرخوری را ترک کند نه تجمل بازی را، چنین شخصی زاهد نامیده نمی‌شود)

ابن سینا در کتاب اشارات زاهد و عابد و عارف

را به ترتیب زیر تعریف می‌کند:

«المعرض عن متاع الدنيا و طيباتها يخص
باسم الزاهد و المواظب على فعل العبادات من
القيام و الصيام و نحوهما يخص باسم العابد و
المتصرف بفكره الى قدس الجبروت مستديما
لشروق نورالحق في سره يخص باسم العارف
و قد يتركب بعض هذه مع بعض»

کسی که از متاع دنیا و پدیده‌های پاکیزه آن
اعراض کند، زاهد نامیده می‌شود و کسی که
به انجام عبادتها مانند نماز و روزه و امثال آنها
مواظبت داشته باشد، عابد نامیده می‌شود و
کسی که تفکر خود را رو به قدس جبروت
به کار انداخته و دوام تابش نور حق را در
درونش می‌خواهد، عارف نامیده می‌شود و
گاهی بعضی از این اوصاف با بعضی دیگر در
سه گروه فوق ترکیب می‌یابد

اعراض از متاع دنیا و پدیده‌های پاکیزه و لذت بخش
آن نیست، چنانکه در تعریف ابن سینا آمده: الاعراض
عن متاع الدنيا و طيباتها، بلکه معنای مناسب زهد
که در مواردی فراوان از منابع اسلامی مورد تمجید
قرار گرفته است، قرار نگرفتن در جاذبه حب دنیا
است که آرمانهای حیات معقول و آمادگی برای ابدیت

در مسیر «انا لله وانا اليه راجعون» را به کلی تباه می‌سازد، نه برخورداری معقول از متاع و طیبات دنیا که در قرآن مجید تجویز و تحریم کننده آنها را مورد سرزنش قرار داده است

«قل من حرم زينه الله التي اخرج لعباده و

الطيبات من الرزق»

به آنان بگو کیست که زینت خداوندی را

که به بندگان خود نمودار ساخته است و

(همچنین) نعمتهای پاکیزه و لذتبخش را

تحریم نموده است؟

سوره مبارکه اعراف ، آیه ۳۲

«يا ايها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم»

ای کسانی که ایمان آوریده‌اید، تحریم نکنید

نعمتهای پاکیزه‌ای را که خداوند برای شما

حلال کرده است

سوره مبارکه مائده ، آیه ۸۷

زهد و وابستگی طبقاتی نیست!

بخشی از کتاب «زهد و آزاد اندیشی ضابطه حرکت در صراط مستقیم - شهید عبدالحمید دیامله»

همه کارهایی که میکنیم و آنچه می شنویم درباره فلانی که سیاست مدار خوبی است مسائل را به خوبی تحلیل میکند؛ این توصیفها مگر غیر از آن است که قدرت دید او درباره چیزهایی که در اطرافش میگذرد بیشتر از افرادی است که گرداگرد او قرار گرفته اند؟ چه زمانی قدرت دید ما بهتر می شود؟ زمانی که تعلق ما به وسایل اطرافمان کمتر از تعلق همگان باشد. اگر قرار شد بنده چشمی به موقعیت و پست و مقام خود داشته باشم و چشمی به خواسته های مردم، مسلم است که دقیق نمیبینم؛ زیرا این عوامل با یکدیگر تداخل می کنند. برای نتیجه گیری نهایی از طرفی بخشی از حواس به مسائل و پدیده ها مشغول شده است و از طرف دیگر، منافع مردم را میبینیم که بر مبنای آن باید

به گونه ای عمل کنم؛ از طرف سوم، عامل هایی را بررسی میکنم که اطرافم را در بر گرفته است. وقتی همه این عوامل را با هم جمع میکنم و در کنار هم میگذارم میبینم که با هم جور در نمی آید؛ چون لازمه بین مردم بودن این است که از خیلی چیزها که در طرفهای دیگر وجود دارد، بگذرم. این عاملها در من اثر میگذارد؛ همان عاملهایی که بسیاری از گروه ها و به خصوص گروه های چپ به صورت افراطی پی آن رفتند و به اشتباه افتادند. درست است که این مسئله ای اساسی است

اما همه مسئله این نیست. ما نمی توانیم بپذیریم که به دلیل چشم داشتن به آنچه در اطراف انسان است چنان جبری برای او ایجاد شود تا حدی که نتواند از طبقه اجتماعی خود جدا شود. سپس بر مبنای همین اعتقاد بگوییم انسان بر اساس مواضع طبقاتی خود حرف می زند و عمل میکند خیر چنین نیست؛ زیرا هم آزادی و اختیار انسان این مطلب را محکوم میکند و هم در عمل در تاریخ میبینیم که افراد بسیاری توانسته اند از مواضع طبقاتی، با مفهومی که کمونیستها در نظر میگیرند، جدا شوند و به همین دلیل هیچگاه فردی مارکسیست نمیتواند عملکرد انسانی مانند گاندی را تحلیل کند گاندی در اروپا

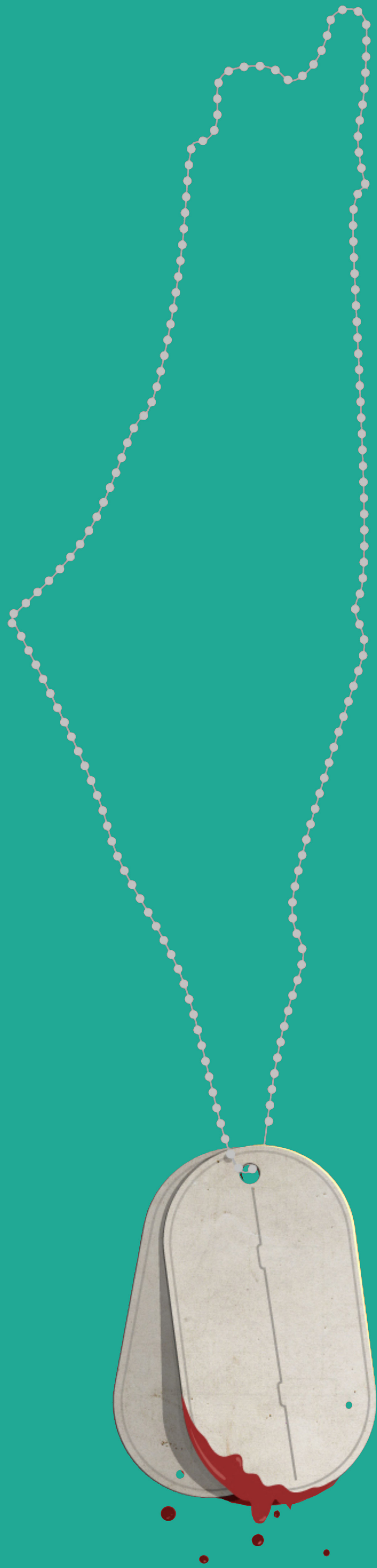
درس خوانده در بهترین مجامع غربی بوده امکانات مالی داشته، امکانات کسب مقام و تحصیلات و علم نیز داشته است. پس او با این امکانات میتواند است مثل بقیه افرادی که چند کلامی در غرب فراگرفته اند و در کشورهای خودشان به بلندگوهای اروپا و آمریکا تبدیل شدند، در هند این چنین عمل کند. اما می بینیم او به راحتی از این مسائل میگذرد و به آن موقعیت می رسد. امروزه علت اینکه فرد مارکسیست می گوید ما مبارزات مارکسیستی می کردیم، آن است که تصور می کند، مبارزات فردی مانند چه گوارا مبارزاتی مارکسیستی بوده است؛ در صورتی که در انقلاب، شیلی عملکرد افرادی مانند چه گوارا، از نوع مبارزات انقلابی مارکسیستی نبود اگر انقلاب، مارکسیستی بود، نبایست فردی مثل چه گوارا بتواند از طبقه خودش یعنی از طبقه مرفه جدا شده و انقلابی بشود نمیبایست همکار چه گوارا به تعبیر مارکسیست ها فردی بورژوا باشد. او حتی سیگار برگ خود را از بهترین کشورها تهیه میکرد عجیب آن است که آنها از افراد بارز و شاخصی حرف میزنند؛ اما مردم به بهترین وجه می بینند که این افراد از پایگاه طبقاتی دیگری وارد مبارزه و انقلاب شده اند؛ اما باز هم میگویند فرد بورژوا به صورت

فطری ضد انقلاب است. اگر او به صورت فطری ضد انقلاب است، پس ما چگونه حرکت چه گوارا را تحلیل میکنیم؟ چه گوارا فردی تحصیل کرده است و مدرک دکترای دارد و میتواند زندگی مرفهی داشته باشد. او میتواند مانند بقیه عمل کند خانواده او خانواده ای فقیر نبودند؛ در صورتی که وقتی دیدند نمیتوانند بسیاری از این مطالب را توجیه کنند سعی کردند به شکلی، فقر یا توجه به فقر را در زندگی نامه آنان بگنجانند اما هیچگاه از آنها نپرسیدند که توجه این فرد به فقر به چه علت بوده است؟ پایگاه طبقاتی چه گوارا اقتضا نمی کرده است که این کار را انجام بدهد، پس چگونه توانسته است از این پایگاه جدا شود و بین مردم بیاید. از نظر مارکسیست ها چه گوارا نباید این کار را انجام میداد. اگر این مطلب را بپذیریم چطور میشود حرکت فردی مانند فیدل کاسترو را تأیید کنیم؟ او باید در طبقه خودش عمل میکرده و هیچگاه فردی انقلابی نمی شده است؛ زیرا او همه گونه امکانات برای انجام همه کار داشت چگونه فردی مارکسیست امروز می تواند حرکت انگلس را تحلیل کند؟ او کارخانه داری بزرگ و به تعبیر آنها سرمایه دار دست اندر کار کارتل ها و تراست ها بوده است. پس چگونه میتواند به

راحتی همکار نظریه پردازهای مارکسیسم شود و با مارکس همکاری کند و با هم مارکسیسم را تحلیل کنند؟ چگونه چنین اتفاقی امکان پذیر است؟ اساساً چگونه او به عنوان فردی سرمایه دار میتواند واضع مکتبی ضد سرمایه داری شود؟ موضع او موضعی طبقاتی است. پس اگر تحلیل های آنان را بپذیریم او نباید چنین عملکردی داشته باشد. او باید کارخانه خودش را در مسیر استثمار عمومی به کار بیندازد و هیچ زمان هم بین مردم بازنگردد. اگر ایدئولوژی خاصی هم ارائه میدهد باید به نفع طبقه حاکم و طبقه سرمایه دار باشد

نه به نفع طبقه محروم. به همین دلیل میبینیم به میزان کاهش وابستگی ها به چیزهایی که در اطراف ما وجود دارد دیده ها باز میشود و ما به همان مقدار میتوانیم مسائل را تجزیه و تحلیل کنیم؛ اما آنها علت تامه و کامل نیستند درست است که عوامل بیرونی روی ما اثر میگذارند و سیستمها یا امکاناتی که در اختیار ماست مسیر را برای انحراف بیشتر میکند و پایبندی و وابستگی یا احتمال وابستگی ما را به آنچه داریم بیشتر میکند؛ ولی ما مختاریم و میتوانیم از وابستگیها بگذریم. مسلمانی که امروز به صورتی انحرافی اسلام را و در واقع همان مارکسیسم

را با شکل و شمایل اسلامی مطرح میکند، چگونه می خواهد حرکت فردی مانند مصعب را تجزیه و تحلیل کند؟ او اشراف زاده است؛ اما به راحتی میتواند همه امکانات اطراف خود را دور بریزد و همپای مسلمانان بایستد و با همانهایی مبارزه کند که در طبقه خودش بودند وقتی این مطالب را نگاه میکنیم می بینیم که مسئله گذشتن از این وابستگی ها امکان پذیر است؛ اما ضابطه میخواهد ضابطه های آن چیست؟ در پاسخ باید گفت ضابطه های آن، همانهایی است که اسلام با عنوان «زهد» مطرح می کند.



أصحاء
علي طريق القدس



@kharrrevolutionart

تصميم:
رضا قصير

سه شنبه ها
رسانه بسیج دانشجویی
دانشگاه شاهد

هفته نامه

چوسره